

علیرضا طبایی که شاعران زیادی را به زبان فارسی معرفی کرده، امروز ۷۴ ساله می‌شود

شاعری که با «شعری برای ویتنام» جهانی شد

۱۲



روایتی درباره «مژگان روستایی» که سال‌ها پیش همراه همسرش به جزیره هنگام رفت و شغل عجیبی را ایجاد کرد

کارآفرینی با پرورش کروکودیل!

۱۰

۱۵ سیما و سیمنا

گفت‌وگوی قدس با هادی نعمت‌اللهی
کارگردان برنامه نوجوانان این روزهای شبکه دو

شور نوجوانی در «اقیانوس آرام»

استاندار را که پستشان خیلی مهم‌تر از مشاور یک وزیر است، چماق کردند و بر سر وزیر بهداشت کوبیدند و نوشتند: «وزارت کشور ۱۵ استاندار را بدون بهانه‌گیری تغییر داد ولی وزیر بهداشت حتی برای غیرتخصصی‌ترین معاونتش و با مشاورش هم رفته حکم حکومتی گرفته».

❖# نهادهای حکومتی استننا شده!

البته بعضی‌ها هم که می‌خواهند از آب گل‌آلود ماهی بگیرند و دور زدن‌های قانون توسط دولتی‌ها را پنهان کنند و نشان بدهند که آن‌ها هیچ ربطی به کفششان نیست و تمام و کمال قانون را اجرا می‌کنند، این شایعه را مطرح کردند که نهادهای وابسته به رهبری بازنشسته‌ها را همچنان به کار می‌گیرند. خیلی طول نکشید که احسان قاضی‌زاده هاشمی، نماینده مجلس، استننا شدن نهادهای منسوب به رهبری را از بیخ و بن غلط دانست و گفت: در بنیاد مستضعفان که زیر نظر رهبری فعالیت می‌کند، قانون تمام و کمال در حال اجراست. چند روز بعد هم در توئیترش از فتاح، رئیس کمیته اماد، به خاطر اجرای قانون تشکر کرد و نوشت: «در ۲ روز گذشته از آقایان رحمانی، فضل‌ی، وزیر کشور و فتاح، رئیس کمیته اماد حضوری تشکر کردم، زیرا قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان را به‌طور کامل در دستگاهشان اجرا کردند و دنبال مستننا کردن برخی افراد و مجوز گرفتن برای آن‌ها نبودند».

❖# جوان‌گرایی رانتی

اوضاع فضای مجازی بعد از حاشیه‌های پرشمار روزهای اول تصویب، آرام بود و کاربران در فضای مجازی هر از گاهی انتقادی می‌کردند، تا اینکه خبر رسید در یکی دو اداره آقای مدیر بازنشسته، راضی شده که میزش را رها کند، اما پسر، داماد یا بقیه اقوام را به جای خودش در آن اداره به عنوان سرپرست منصوب کرده است. سرپرست‌هایی که تجربه نشان داده خیلی زود برایشان حکم مدیریت می‌خورد. این خبرها فضای مجازی را ملتهب و مردم را نسبت به قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان بدبین کرد: «حکایت این روزهای اجرای قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان این است: خطر نفوذ اقوام بازنشستگان!»

جوان‌گرایی‌ای که در حال تبدیل شدن به پسر و دامادگرایی بود، سوزه فعالان فضای مجازی شد و مجلس اخطار دادند که نگذارند این اتفاق بیفتد

«جوان‌گرایی رانتی، جایگزین مدیران بازنشسته!»

«جوانگرایی با روی کار آمدن جوانان پرشمار فامیل، مسئله این است!»

«قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان به خوبی درحال اجراست. جوانگرایی با به کارگیری جوان‌های فامیل! دامادها چه شانس آورده‌اند!»

یک عده از کاربران هم با خواش و تمنا از مجلس «قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان هستند و از تیز انتقادات در امان نماند: «آقای علی عسگری شما در ۳۷ سالگی معاون وزیر شدید؛ چرا امروز اصرار بر حفظ نیروهای بازنشسته دارید؟»

بعضی از کاربران هم وزارت کشور و عزل ۱۲-۱۱

۱۱ معارف

حجت‌الاسلام حمید پارسائیا:

به گرت‌برداری از نظام آموزشی غرب پایان دهیم

مروری بر روایتی مجازی از قانون «منع به کارگیری بازنشستگان در پست‌های مدیریتی»

جای این قانون خالی بود



می‌کردند و از بنیاد شهید می‌خواستند که زیر فشارهای بعضی از این مدیران بانفوذ کمر خم نکند و تن به پرونده‌سازی ندهد. مسئولان بنیاد شهید هم البته به مردم اطمینان دادند که به هیچ مدیری درصـد جانبازی اعطا نمی‌کنند که تا بد پشت میز ریاستش بماند.

❖# بدون استننا

تا امروز یکی از پرتکرارترین هشتگ‌هایی که در توئیتر و بقیه شبکه‌های اجتماعی دست به دست شده، همین است. اینکه چرا کاربران به این هشتگ روی آوردند و آن را در کسری از ثانیه ترند کردند، به اتفاقاتی برمی‌گردد که داشت در وزارت بهداشت، بنیاد شهید و سیما می‌افتاد. اتفاقاتی که بیشتر به دور زدن قانون شبیه بود و هست. سید حسن قاضی‌زاده هاشمی، وزیر بهداشت، برای ۳ معاون بازنشسته‌اش با لطایف‌الاحیالی مجوزهایی را اخذ و پس بازنشسته حساب نمی‌شوند. یکجورهایی شوق خدمت انگار توجیهی است برای فریبکاری و دروغ گفتن!

«به هر مدیر نزدیک بازنشستگی زنگ می‌زنی مخالف افزایش درصـد جانبازی هستن و این کار رو خلاف میدونه و معتقده باید برخورد قاطع صورت بگیره! حتماً اونایی هم که پاشنه در بنیاد شهید رو از جا دار آورند برای اینکه جانباز بشون به ۵۰ درصد برسه ما معمولیا هستیم!»

«شیفتگان خدمت دیروز، امروز شدن تشنگان قدرت و برای موندن بیشتر پشت میز شون ادعای جانبازی بالای ۵۰ درصد می‌کنن!»

اینـم موضوع این قدر داغ و جنجالی شد که نماینده‌های مجلس یکی پس از دیگری مصاحبه

رو گرفته!»

بعد از بالا گرفتن انتقادهای مردم از این رفتار، مهدی تاج در گفت‌وگو با رسانه‌های مختلف اظهار داشت که خیلی قبل‌تر از ماجرای قانون منع به کارگیری مدارکش را برای افزایش درصـد جانبازی مجلس، از چند روز قبل وعده داده بود که این قانون را می‌خواهند به صحن علنی ببرند و مفاد آن هم به اطلاع مردم رسیده بود. یکی از بندهایی که مدیران را استننا می‌کرد، این بود که جانباز ۵۰درصـد و بالاتر باشند. خیلی طول نکشید که مدیران دولتی که دوست نداشتند میزشان را به این راحتی‌ها از دست بدهند، افتادند دنبال بالا بردن درصـد جانبازیشان یا پیدا کردن مدارکی که نشان بدهند در جبهه گول‌ه‌ای، تر کشی، چیزی نصیبشان شده است. تنها اسمی هم که این وسط لو رفت نام مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال بود که گویا آخرین درصـد جانبازی‌اش ۴۵ بوده، ولی خودش ادعا می‌کرد که ۵۲ درصـد جانبازی دارد. همین اظهارنظر موجب شد که انتقادهای گسترده‌ای به خاطر این رفتار مدیران در فضای مجازی راه بیفتند. موج اول هم شوخی‌های به ظاهر جدی بود که با تاج می‌کردند:

«مهدی تاج پنج درصـد جانبازی داشت، دو سال پیش با تکمیل مدارک درصـد جانبازی‌اش شد ۳۳ درصـد، امسال با تکمیل بیشتر پرونده درصـد جانبازی شد ۵۲ درصـد. واقعا می‌ترسم سال دیگه به کم دیگه مدارک تکمیلی رو کنه و به مقام شامخ شهادت نالی برسه».

«مدیر کل بنیاد شهید گفته درصـد جانبازی کلاً مضربی از پنجه، چطور آقای تاج ۵۲ درصـد جانبازی داره؟ فک کنم سر آخرین دفاعیاتش از کی‌روش یکی انتقاد خفیف کرده ترکشاش ایشون

حامد کمالی – آتش قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان بعید است به این زودی‌ها خاموش شود، چون حالا به یکی از مطالبات اصلی مردم تبدیل شده و با جدیت خاص اخبار آن را رهگیری می‌کنند. قانونی که جوان‌های دهه شصتی و تازه فارغ‌التحصیل شده‌های دهه هفتادی را کمی امیدوار کرده که بالاخره سر یک شغل درست و حسابی خواهند رفت و دیگر قرار نیست به کار کردن با ماشین در اسنپ و تپسی و امثالهم فکر کنند. پای این قانون از همان روز اول به فضای مجازی کشیده و به اهرم فشاری برای مدیران بازنشسته‌ای که دوست نداشتند بروند تبدیل شد. کلی هم هشتگ‌های مختلف برایش ساختند که هنوز بعد از گذشت یکی دو ماه از تصویب قانون منع به کارگیری در مجلس، جزو ترندهای توئیتر و اینستاگرام است. صحبت‌های دیروز رهبری درباره این قانون در درس خارج فقه‌شان، دوباره بحث بازنشسته‌ها را به صدر فضای مجازی برگرداند. در این گزارش ما هم نگاهی انداخته‌ایم به همه اتفاقاتی که از روز اول تا امروز برای قانون منع به کارگیری بازنشستگان در فضای مجازی افتاده است.

❖# عاشقان خدمت!

ماجرای ۲۴ آبان همین امسال شروع شد. روزی که مجلس برخلاف توقع همه، قانون منع به کارگیری بازنشستگان را تصویب و دستورالعمل اجرایش را به همه سازمان‌ها و نهادهایی که دولتی و شبه دولتی بودند، فرستاد و تأکید کرد که بازنشسته‌های کمتر از یک‌ماه فرصت دارند که بروند و جاییشان را به نیروهای تازه نفس جوان بدهند. البته احسان قاضی‌زاده هاشمی، نماینده مردم فریمان در مجلس، از چند روز قبل وعده داده بود که این قانون را می‌خواهند به صحن علنی ببرند و مفاد آن هم به اطلاع مردم رسیده بود. یکی از بندهایی که مدیران را استننا می‌کرد، این بود که جانباز ۵۰درصـد و بالاتر باشند. خیلی طول نکشید که مدیران دولتی که دوست نداشتند میزشان را به این راحتی‌ها از دست بدهند، افتادند دنبال بالا بردن درصـد جانبازیشان یا پیدا کردن مدارکی که نشان بدهند در جبهه گول‌ه‌ای، تر کشی، چیزی نصیبشان شده است. تنها اسمی هم که این وسط لو رفت نام مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال بود که گویا آخرین درصـد جانبازی‌اش ۴۵ بوده، ولی خودش ادعا می‌کرد که ۵۲ درصـد جانبازی دارد. همین اظهارنظر موجب شد که انتقادهای گسترده‌ای به خاطر این رفتار مدیران در فضای مجازی راه بیفتند. موج اول هم شوخی‌های به ظاهر جدی بود که با تاج می‌کردند:

«مهدی تاج پنج درصـد جانبازی داشت، دو سال پیش با تکمیل مدارک درصـد جانبازی‌اش شد ۳۳ درصـد، امسال با تکمیل بیشتر پرونده درصـد جانبازی شد ۵۲ درصـد. واقعا می‌ترسم سال دیگه به کم دیگه مدارک تکمیلی رو کنه و به مقام شامخ شهادت نالی برسه».

«مدیر کل بنیاد شهید گفته درصـد جانبازی کلاً مضربی از پنجه، چطور آقای تاج ۵۲ درصـد جانبازی داره؟ فک کنم سر آخرین دفاعیاتش از کی‌روش یکی انتقاد خفیف کرده ترکشاش ایشون



یادداشت

علی محمد موداب

اشاره: این یادداشت بیستم آبان ماه در ستون کلیدها در صفحه ایستگاه روزنامه قنـس منتشر شده بود و حالا به بهانه داغ شدن بحث قانون «منع به کارگیری بازنشستگان در پست‌های مدیریتی» بازنشر می‌شود.

بازنشستگی مدیران و یک سؤال

این روزها بحث کنار رفتن مدیران بازنشسته داغ است. همه همسنـلان من هم قاعداً مدافع این قانون هستند. اما آیا این قانون مفید و درست است؟ شاید در مورد نیروهای معمولی با توانمندی‌های عادی کشور این قاعده درست به نظر بیاید اما بی‌شک در مورد برجستگان و نخبگان صادق نیست. من به هیچ وجه نمی‌توانم بپذیرم که مثلاً استاد مرتضی فرهادی مردم شناس برجسته کشور که عمری تجربه اندوخته است به خاطر یک قانون نتواند در دانشگاه کار کند. در مدیریـتها هم قصه همین است. بسیاری آدم‌هایی که عمری تجربه اندوخته‌اند و تازه در سن پختگی قرار گرفته‌اند و می‌توانند خدمتی بکنند و باید بنا بر این قانون تازه حذف شوند.

اگر قانونی درست باشد باید همه جا صادق و درست باشد، اما بسیاری نمونه هایی که هر کدام از ما به آن‌ها توجه کنیم متوجه می‌شویم که این قانون مبنای درستی ندارد. فرض کنید سردار عزیز حسین همدانی شهید نمی‌شد و می‌ماند. آیا باید بنابر قانون بازنشستگی از فرماندهی ارشد کنار گذاشته می‌شد؟ بنابر این باید یک نظام کارآمد و نو برای ارزیابی مدیران ارشد طراحی شود تا بتواند این مدیران را مدام تحت نظر داشته باشد و اجازه ندهد که مدیران ناکارآمد با لای‌ها و روابطشان در مهم‌ترین سطوح حضور داشته باشند. اما نمی‌شود به خاطر یک مصلحت، قانونی بر خلاف عقل تصویب کنیم. مدیران ناکارآمد و فاسد باید تصفیه شوند و نباید این تصفیه به خاطر ملاحظات و رودریاستی‌های ما با اسـم دیگری انجام شود.

هیچ‌کس حرفی نمی‌زند اما واقعیت این است که ما جوان‌ترها امید داریم از این نمـد کلاهی هم به ما برسد و بزرگ‌ترها هم البته مشکلات خودشان را دارند. به نظرم این راه حل بحران مدیریت در کشور نیست. مدیران ارشد باید بازخواست شوند و سازمان‌های نظارتی باید کار درست بخواهند.

هر سازمانی باید مدیران جوان در سطوح مختلف داشته باشد و تربیت مدیر جوان، باید یکی از شرح وظایف مدیران با سابقه باشد. هر مشکلی راه حلی دارد اما این راهش نیست.

من هم اصرار ندارم که هر چه گفته‌ام درست‌ترین حرف است، ولی از شما دعوت می‌کنم که به این جنبه هم فکر کنید. یک سنت غلط اگر گذاشته شد، اصلاحش خیلی کار خواهد برد.

فیلم داغ



برای مشاهده ویدیو QR کد را اسکن کنید

پای موضوع قانون منع به کارگیری بازنشستگان به جلسه درس خارج از فقه دیروز رهبری باز شد و ایشان از این قانون حمایت کردند و گفتند: از آن قوانینی است که ما به آن احتیاج داشتیم، جایش هم خالی بود. فیلم این صحبت‌ها جزو داغ‌های مجازی شد.

حاشیه

همه چیز درباره تمساح‌های پوزه کوتاهی که تنها در سیستان و بلوچستان زیست می‌کنند

ازدهایی به نام گاندو

فاطمه روحانی: «گاندو» واژه‌ای بلوچی است که برای «تمساح مردابی» یا «تمساح پوزه‌کوتاه» استفاده می‌شود. این واژه در زبان محلی به معنی حیوانی است که روی شکمش می‌خزد. مردم محلی به گاندوها احترام می‌گذارند. به باور آن‌ها، هر جا گاندو هست، آب و زندگی هم هست. اهالی سیستان و بلوچستان، گاندو را مایه برکت می‌دانند و داستان‌های فراوانی از همزیستی آن‌ها با کشاورزان و روستایی‌ها بلدند. آن‌ها هیچ وقت گاندوها را نمی‌رانند و به آن‌ها شلیک نمی‌کنند. این رفتاری است که در هیچ جای دیگر ایران نظیر ندارد. «باهوکلات» هم شکل هیچ جای دیگر ایران نیست؛ طبیعتی منحصر به فرد از درآمیختگی کوه و دشت و دریا، باد و خاک و گرما؛ منطقه‌ای کمتر دیده شده در جنوب شرقی‌ترین بخش ایران؛ جایی که حوزه تمدنی ساحل نشینان عمان(مکران) به حوزه تمدنی بلوچستان پیوند می‌خورد؛ نواری مرزی که بین مرزهای پاکستان و رودخانه سرباز محدود است. این منطقه هم مثل جانور منحصر به فردش، از چشم طبیعت‌گردها دور مانده است.

گاندوها، محتاط و خجالتی

طبق آخرین سرشماری در سال ۹۲، جمعیت گاندوهای ایران بیش از ۵۰۰ گاندو تخمین زده شده است، ولی ۲۴۰ تمساح رویت و شمرده شده است که این تعداد شامل گاندوهای موجود در زیستگاه‌های طبیعی و مصنوعی است. گاندوهای باهوکلات، محتاط و خجالتی هستند. حضور غریبه‌ها، این جانوران سنگین را تا عمق آب‌های گل آلود، عقب می‌رانند. برای همین، حتی در سال‌های اخیر، کمتر عکس و مستندی از گاندوها وجود دارد. این‌س مطلب اما اطلاعات کاملی از جانور و نحوه زندگی‌اش در اختیارتان قرار می‌دهد.

گاندو در ایران، دو و نیم تا سه متر طول دارند. قوی‌ترین عضو دفاعی آن‌ها، دمشان است. آن‌ها به محض احساس خطر و یا حضور مزاحم، در آب فرو رفته و مخفی می‌شوند، اما برای تنفس باید به زودی به سطح آب برگردند.



شکار چیان تیزین شب

گاندوها عموماً شب‌ها شکار می‌کنند و در طول روز بیشتر اوقات در حال استراحت و چرت زدن هستند. به علت ساختمان خاص آرزوها، گاندوها قدرت جویدن ندارند. آن‌ها شکارهای کوچک را می‌بلعند و شکارهای بزرگ را مدتی زیر آب یا آفتاب نگه می‌دارند، سپس با تکان‌های سریع، آن را تکه‌تکه کرده و می‌بلعند. گاندوها با وجود جثه بزرگشان، هر روز فقط یک و نیم تا دو کیلوگرم گوشت می‌خورند. آن‌ها به علت وجود بافت چربی در قسمت دم می‌توانند ماهه‌ا از این ذخیره غذایی استفاده کنند. البته علاوه بر این هم در صورت پایان یافتن این ذخیره چربی می‌تواند تا هفت ماه نیز از گل و لای مرداب‌ها تغذیه کند. کوچ کردن و فرورفتن در کانال‌های عمیق به طول ۱۲ تا ۱۵متر در کنار رودخانه‌ها و بر که‌ها، از تمهیدهای این جانور برای فرار از اثرات خشکسالی است.

تولزنی برای فرار از گرما

یک پرده عرضی داخل چشم تمساح وجود دارد که برای حضور در زیر آب مفید است. این پرده عرضی به عنوان پلک سوم تمساح مطرح است. گاندو قوی‌ترین پا را در میان همه تمساح‌ها دارد. این ویژگی به خاطر آن است که بیشترین راهپیمایی روی زمین را دارد. این ویژگی یک تغییر تکاملی است، زیرا منابع آبی کم و پراکنده گاندو را مجبور کرده که برای دستیابی به منابع آبی جدید مسیرهای خشکی را راهپیمایی کنند و چون بیشترین تکیه برای راه رفتن بر روی پای عقبی است، پای عقبی آن‌ها قوی‌تر است. بنابراین گاندو در میان ۲۴ گونه تمساح از لحاظ داشتن پایای قوی شاخص است.

تمساح‌های باهوکلات برای مقابله با گرما و یافتن جایی خنک‌تر به تولزنی می‌پردازند. طول این تول‌ها حدود ۶ متر است که یک یا دو تمساح در آن‌ها وجود دارد.

شانس بقاء، تنها یک درصد

سن تولید مثل گاندوها در جنس ماده در ۶ تا ۸ سالگی است. جفت‌گیری از اواخر اسفندماه شروع می‌شود و تا اردیبهشت‌ماه مرحله لانه‌سازی اتفاق می‌افتد. تخم‌گذاری تمساح‌ها در اواخر اردیبهشت‌ماه است. اواخر خرداد و تیرماه نیز زمان خروج تخم تمساح‌ها است. به طور متوسط ۲۰ تا ۳۰ تخم از هر گاندو انتظار می‌رود. شانس بقا از هر ۱۰۰ تخم تا بلوغ یکی است و به عبارتی اگر در یک لانه ۲۵ تخم وجود داشته باشد، ممکن است حتی یک گاندو هم به سن بلوغ نرسد. پرنده‌گان، بزمنجه‌ها، روباه، شغال، خدنگ و تمساح‌های بزرگ تهدید جدی برای تخم‌ها و نوزادان گاندو به حساب می‌آید. گاندوهای نوزاد «ندان تخم» دارند که از آن برای شکستن تخم به هنگام تولد استفاده می‌کند که به تدریج این دندان می‌افتد. لارو ماهی و کلبه دوزیستان غذای نوزادان تمساح هستند. اندازه نوزاد گاندو ۲۵ تا ۳۰ سانت و وزن آن حدود ۸۹ گرم است.

چطور به زیستگاه گاندوها سفر کنیم؟

برای تماشای گاندوها باید به منطقه باهوکلات سفر کنید. برای رسیدن به باهو کلات، ابتدا باید به زاهدان بروید، سپس از زاهدان به خاش و از خاش به ایرانشهر. تا اینجا کار، شما در محور زاهدان به چابهار سفر کرده‌اید. از زاهدان تا ایرانشهر بیش از ۳۲۰ کیلومتر راه است. از ایرانشهر باید مسیرتان را به سمت شهر «سرباز» کج کنید. از ایرانشهر تا سرباز ۹۵ کیلومتر است. ۶۵ کیلومتر پایین‌تر از شهر سرباز، شهر کوچک «راسک» قرار دارد که در حاشیه منطقه حفاظت شده باهو کلات است. اینجا در تمام رودخانه‌ها و برکه‌های منطقه، احتمال دیده شدن گاندو وجود دارد.

روایتی درباره «مژگان روستایی» که سال‌ها پیش همراه همسرش به جزیره هنگام رفت و شغل عجیبی را ایجاد کرد

کارآفرینی با پرورش کروکودیل!

♦ داستان شکل‌گیری مزرعه پرورش کروکودیل از کجا آغاز شد؟

همه چیز از عشق و علاقه من به حیوانات آغاز شد. من متولد سال ۱۳۶۲ هستم. از سال‌های کودکی به حیوانات علاقه داشتم و از این که با آن‌ها وقت بگذرانم، لذت می‌بردم. با قورباغه و مارمولک همبازی بودم و از مار و عقرب نمی‌ترسیدم. علاقه‌مندی پدرم به طبیعت به این روحیه جان بیشتتری بخشید تا جایی که به عشق درس زیست‌شناسی، برای مقطع دبیرستان رشته علوم تجربی را انتخاب کردم. بعد هم با همین نگاه در دانشگاه به سراغ جانورشناسی رفتم. بعد از دانشگاه با همسرم آشنا شدم. سال ۱۳۸۳ مراسم ازدواج‌مان را جشن گرفتیم و زندگی مشترک‌مان را آغاز کردیم. من و همسرم پیش از آن، کارمند بودیم. من در شرکت پتروشیمی اهواز و در حوزه تولید مواد بیولوژیکی و همسرم در یک شرکت خدمات رابه‌ای مشغول به کار بود. پس از مدتی هم به تهران نقل مکان کردیم. با این حال همواره یک رویا داشتیم؛ رویای کار مستقل و البته تولیدی.

دلمان می‌خواست کاری را شروع کنیم که آینده داشته باشد و وقتی چند سال بعد به گذشته خودمان نگاه می‌کنیم، از عمری که صرف آن کرده‌ایم، راضی باشیم. تصمیم گرفتیم کاری را شروع کنیم که تولیدی باشد. تاکیدمان روی تولید بود؛ تولیدی که می‌توانست در حوزه صنعتی یا کشاورزی باشد.

♦ چطور شد که پرورش کروکودیل را انتخاب کردید؟

عشق به راه‌اندازی کسب و کار متفاوت، ما را به مطالعه درباره نحوه تکثیر و پرورش جانوران سوق داد. به کمک آموخته‌هایم در دانشگاه، جانوران را مورد بررسی قرار دادیم. فهرست پلندبیلایی از گونه‌های مختلف جانوری از حشرات گرفته تا آبی‌زان را بررسی کردیم- تا بتوانیم به گزینه‌ای مناسب دست پیدا کنیم. اما و اگرهای پرورش حیواناتی مثل زنبور، شترمرغ، بوقلمون، اسب دریایی، خیار دریایی و ماهی را بررسی کردیم، اما از آن جایی که می‌خواستیم فعالیتی نو را دنبال کنیم، با تحقیقات وسیع در نهایت، پرورش کروکودیل و تکثیر آن را انتخاب کردیم. تکثیر کروکودیل از سخت‌ترین تکثیرها در بین خزندگان است.

♦ نترسیدید که در انجام این طرح شکست بخورید؟

نگران بودیم، اما اشتیاق هم داشتیم. کاری که داشتیم شروع می‌کردیم در کشور سابقه نداشت. خب طبیعی بود که موانع زیادی پیش رویمان باشد. به هر حال نخستین باری بود که در کشور کسانی تصمیم گرفته بودند به پرورش کروکودیل بپردازند. طرح ما حتی برای بعضی‌ها خنده دار بود. در بسیاری از ادارات هم به‌خوردهای ناامیدکنده‌ای با ما می‌شد.

امردم/ حسین رسول‌زاده، مهندس مژگان روستایی، ۳۵ سال دارد و کارشناس جانورشناسی است. او با همسر و دخترش در جزیره هنگام در یک مزرعه بزرگ زندگی می‌کند. همسرش، بهروز سالاروند کارشناس رایانه است. مزرعه آن‌ها با تفریحی که ما از مزرعه در ذهن داریم، فرق می‌کند. آن‌ها در این مزرعه به جای آن که گندم و جو و غلات دیگر را بکارند، گونه‌ای خاص از جانوران را پرورش می‌دهند: حیوانی عظیم‌الجثه، با دندان‌های تیز و

♦ ولی این پرخوردها ناامیدتان نکرد.

نه. انسان‌ها همه می‌دانند چه توانایی‌هایی دارند و با توجه به توانایی‌هایشان موقعیت‌های زندگی‌شان را انتخاب می‌کنند. وقتی قرار باشد کار جدیدی را شروع کنید، می‌دانید که سختی‌های زیادی در پیش دارید. وقتی هم اولین کسی هستید که این کار را در کشور انجام می‌دهید، باید بدانید که پیگیری‌ها و پیش بردن برنامه‌ها برای آغاز کار، چند برابر حالت عادی زمان می‌برد. اما حسن کار این بود که من تنها نبودم. می‌دانستم همسرم کنارم هست و مرا تنها نمی‌گذارد.

♦ همسرتان از ابتدا در راه‌اندازی مزرعه با شما همراه بود؟

چندماه اول خودم کارها را پیش بردم. من کارم را رها کرده بودم و به همین دلیل فراغت بیشتری داشتم و می‌توانستم حتی بحث‌های امکان‌سنجی و… را پیش ببرم. از آنجا که نمی‌خواستیم برای تأمین شرایط زیستی کروکودیل‌ها، هزینه‌های اضافی بر کارمان تحمیل شود، «جزیره قشم» را انتخاب کردیم، چون آن‌جا گرما و رطوبت مورد احتیاج برای زیست کروکودیل را داشت. برای راه‌اندازی مزرعه باید ساکن قشم می‌شدیم. برای همین هم همسرم کارش را رها کرد و در کنار هم کار راه‌اندازی مزرعه را پیش بردیم.

♦ چقدر طول کشید تا توانستید مجوزهای لازم را بگیرید؟

می‌دانید که پروسه‌های اداری چقدر خسته‌کننده و زمانبر است. از طرح ایده تا راه‌اندازی مزرعه دو سه سال طول کشید. خوب می‌دانستیم راه سختی در پیش داریم، اما اراده ما برای به نتیجه رساندن هدفی که در سر می‌پرورادیم، محکم بود. به همین خاطر خانه، ماشین، زمین و هر چه را که داشتیم، فروختیم و با سرمایه‌ای که توانسته بودیم جمع کنیم، کارمان را شروع کردیم. سال ۱۳۸۶ شرکتی را به نام «نواوران پویا کیمیا قشم» ثبت کردیم که مخفف آن می‌شود «نوپک». این شرکت قرار بود مجری «مزرعه و پارک پرورش کروکودیل نوپک قشم» باشد. با پیگیری‌های فراوان توانستیم موافقت اصولی راه‌اندازی مزرعه را از اداره شیلات بگیریم. بعد هم مجبور بودیم در یکی از کشورهای آسیای شرقی که پرورش کروکودیل را به صورت جدی دنبال می‌کنند، دوره‌ای آموزشی را بگذرانیم. برای همین هم ابتدای سال ۱۳۸۶ با هزینه‌ای معادل ۴۰ هزار دلار راهی مالزی شدیم. آن‌جا یک دوره آموزشی را گذراندیم و در یکی



دسته‌بندی کرده‌ایم. در حالی که این کار یا کارهایی از این دست در توان همه است و زن و مرد هم ندارد.

♦ **حتی با وجود داشتن یک دختر خردسال؟**
بله. خانم‌های زیادی هستند که هم فضای داخلی خانواده‌شان را اداره می‌کنند و هم به فعالیت‌های بیرون از خانه مشغول هستند. خدا را شکر، دخترم حیوانات را خیلی دوست دارد و امیدوارم در آینده به این شغل علاقمند باشد. البته این فقط یک امیدواری است. او قطعاً حق دارد راه دلخواه خودش را برای زندگی‌اش انتخاب کند.

♦ کروکودیل‌های مزرعه شما، حالا چه وضعیتی دارند؟

خب حالا آن هشت سر کروکودیل به ۱۵۰ سر کروکودیل تبدیل شده‌اند. آن هم از کروکودیل ۲۶ ساله با ۴ متر طول بگیرد تا نوزادهای ۴۰ سانتی‌متری. ما علاوه بر مزرعه، سال ۹۰، پارکی را به وسعت ۲ هکتار هم راه‌اندازی کردیم و مسافران نوروزی و گردشگران که کم کم متوجه وجود کروکودیل‌ها در مزرعه ما شده بودند، برای بازدید به آنجا می‌آمدند. بعد از آن هم بخش گردشگری مجموعه با عنوان «پارک کروکودیل نوپک قشم» با ۲۰ سر کروکودیل در جزیره قشم راه‌اندازی شد. استقبال مردم از پارک کروکودیل‌ها بی‌نظیر است. با گشایش پارک کروکودیل‌ها در منطقه آزاد قشم، توانستیم خوشبختانه رضایت بازدیدکنندگان را تأمین کنیم. به هر حال این مرکز تنها جاذبه گردشگری قشم است که توسط بخش خصوصی احداث شده و به دلیل جاذبه عجیب جانوری که دارد، در کشور بی‌نظیر است. همانند که کروکودیل‌ها اساسا جذاب هستند. این خزندگان بازماندگان دوران دایناسورها هستند و چون بومی ایران هم نیستند، طبیعی است که دیدنشان برای گردشگران اهمیت دارد.

♦ **حالا چه افقی را در برابر‌تان می‌بینید؟**
ما از همان ابتدا یک دوره ۱۰ ساله برای صادرات در نظر گرفته بودیم. یعنی در همان طرح‌های اولیه که برای گرفتن مجوز به اداره‌های مربوطه ارائه شده، این افق لحاظ شده. طرح ما در سال ۸۹ که به مرحله بهره‌برداری رسید و پیش‌بینی می‌کنیم که تا دو سال دیگر به صادرات برسیم. این موفقیت بیشتر از این جهت دلنشین‌تر می‌شود که برای بیشتر از ۲۰ نفر شرایط شغلی فراهم کرده و درآمدزایی داشته است. ما به جای آن که به فکر فعالیت دیگری باشیم، تلاش می‌کنیم با صرف کردن سود مجموعه در بخش‌های مختلف آن، رشد و شکوفایی مزرعه و پارک کروکودیل‌هایشان کمک کنیم. ما همواره در حال توسعه طرح‌مان هستیم. همانند که حالا مزرعه ما به عنوان منبع اطلاعاتی جانورشناسی در زمینه کروکودیل در کشور شناخته می‌شود.



کروکودیل با تمساح چه تفاوتی دارد؟

که بتوانند شکار می‌کنند، از ماهی و لاک‌پشت گرفته تا میمون و بوفالو. هر دو حس بویایی و بینایی بسیار خوبی دارند، اما آن‌ها تفاوت‌هایی به هم دارند. مثلاً از نظر ظاهری در شکل فک با هم متفاوتند. تمساح‌ها شبیه کفه بیل په‌ن است در صورتی‌که شکل پوزه کروکودیل‌ها مثل یک عدف هشت فارسی باریک است. تمساح پوزه کوتاه، جانور بومی ایران است و در بخش‌هایی از جنوب سیستان و بلوچستان، زیست می‌کند.

به کروکودیل‌ها «سلطان زره‌پوش آب‌های آرام» لقب داده‌اند. سن‌گواره‌های کشف شده نشان می‌دهد این موجودات بیش از ۶۵ میلیون سالال است که تغییر نیافته‌اند و به همین شکل بر روی کره زمین زندگی می‌کنند. کروکودیل‌ها به طور تقریبی ۸۰ سال عمر می‌کنند. آن‌ها در ۱۵ سالگی شروع به تخم‌گذاری کرده و تا ۶۰ سالگی سالی یک بار و هر بار حدود ۳۰ تخم می‌گذارند.

تمساح هم یکی از اعضای خانواده کروکودیل‌هاست. این دو جانور البته نقاط مشترک فراوانی با هم دارند. هر دو، هر جنینده‌ای را

آشنایی با نحوه زندگی و خصوصیات آن‌هاست. در این پارک، علاوه بر پرورش کروکودیل‌ها، تحقیقات جامعی در خصوص زندگی این جاندار انجام می‌گیرد و بازدیدکنندگان این مجموعه می‌توانند با نحوه زیست کروکودیل‌ها و تخم‌گذاری و تولد بچه‌هایشان آشنا شوند و اطلاعات لازم را در خصوص این جاندار از طریق راهنمایان مجرب کسب نمایند. مزرعه پرورش کروکودیل در ۵۰ کیلومتری قشم در جزیره هنگام است. این مجموعه به سبب ایده نوآورانه و ویژگی‌های منحصربه‌فردش عنوان کارآفرین برتر استان هرمزگان و کارآفرین برتر کشور را کسب نموده است.

پارک کروکودیل نوپک یکی از جاذبه‌های گردشگری اسستان هرمزگان است که در جزیره پهنوار قشم در مسیر اتوبان خلیج‌فارس (۷ کیلومتری قشم- درگهان) قرار دارد. پارک کروکودیل نوپک قشم اولین و تنها پارک کروکودیل خلورمیانه است. در این مجموعه بیش از ۱۰۰ سر کروکودیل از نوزاد تا بزرگ‌ترین کروکودیل ایران زیست می‌کنند. البته علاوه بر کروکودیل‌ها حیواناتی مانند میمون، سوسمار، پرنده‌گان و پستاندارن دیگری نیز در این پارک نگهداری می‌شوند. این پارک محیطی دلپذیر، زیبا و امن برای دیدن حیوانات شگفت‌انگیز و

شعر

باز خوانی «شعری برای ویتنام» از علیرضا طبایی

نعره‌ای می‌شنوم، نعره شوم هواپیماها

ادب و هنر: شعر علیرضا طبایی برای ویتنام اولین شعر نیمایی فارسی برای این واقعه تأثیرگذار جهانی بود. در ادامه متن کامل این شعر را می‌خوانید.

شعری برای ویتنام...

آه... خاموش کنید

نعره‌صاعقه‌آسای هواپیماها

این عقابان به خون تشنه ویرانگر را

آی انسان‌ها، آدم‌ها خاموش کنید

بانگ توفنده خمپاره و نارنجک را

مرگ‌زانه‌ر و گبار مسلسل‌ها را

آی انسان‌ها،

پیرزن گریه‌کنان می‌نالد

لحظه‌ای گوش کنید،

گریه کودک وحشت‌زده خرد مرا

او از این نعره شوم،

او از این بانگ مهیب،

می‌هراسد، و به خود می‌لرزد، می‌لرزد

همچنان ساقه گندم که ز خشم توفان

واى... من نیز به خود می‌لرزم

می‌ترسم

هدیه‌تان چیست مگر؟

همه نابودی و نابودی و نابودی

همه ویرانی و ویرانی

همه‌جا وحشت و تاریکی و بیماری

همه‌جا غرق‌به‌خون پیکر قربانی...

من نمی‌دانم،

بعد از این نابودی، گرسنگی، ویرانی

من پیر،

با چنین دست نحیف لرزان

با چنین پای خلیل، با چنین داغ بزرگ

زندگی را چه کنم...

واى... این پیکر آشفته‌به‌خون بی‌سر

پیکر شوهر بیمار من است؟

چشم... وحشت‌زده دختر من،

دختر کوچک غمخوار من است؟

کودکم!... کودک گهواره‌ای کوچک من!

نعره‌ای می‌شنوم

نعره شوم هواپیماها

این عقابان به خون تشنه ویرانگر را

آی... خاموش کنید!انسان‌ها،

نه... نه، رجم به این کوه... د...ک...م...ن...ن...

ناگهان رعدآسا،

نمرزن، خاله‌برانداز هواپیمایی،

می‌کشاید دمی از خشم دهان مرموز

از دهان مرگ فرو می‌ریزد

نعره‌ای شوم به پا می‌خیزد

خاله یکباره به خود می‌لرزد

لحظه‌ای هر در و هر پنجره و هر آجر

در فضای می‌رقصد

خبر

پویش «کتاب‌قهرمان» به‌مناسبت ۴۰سالگی انقلاب

ادب و هنر: نشست خبری مسابقهٔ کتاب‌خوانسی و پویش «کتاب‌قهرمان»، با محوریت کتاب «سرباز کوچک‌امام»، پیش از ظهر دپروژ با حضور راوی و نویسندهٔ این اثر دفاع مقدسی و همچنین اهالی رسانه در انتشارات پیام آزادگان برگزار شد. به گزارش قدس در ابتدای این نشست، سیسجاد موسوی، دبیر برگزاری پویش توضیح داد: ما پیش از این نیز در پویش‌های مختلف

کتاب‌خوانی، موضوعات خانواده‌محور را مبنی بر کتاب‌های شاخص تجربه

کرده‌ایم. امروز هم با پویش «کتاب‌قهرمان» در تلاشیم در کنار آن، دو اتفاق بزرگ را نیز رقم بزنیم تا حداقل به پر فروش‌تر شدن برخی کتاب‌ها کمک جدی نمایم.

وی در ایسن باره گفت: عامل‌ اول معرفی ایده آل کتاب‌های خوب و تبلیغ و ترویج آن‌هاست. این پویش‌ها نیز مسددار این خواهد بود تا آثار باکیفیت به صدر فروش بازار نشر برسند. دوم اینکه هدف، توزیع چشمگیر است تا هر مخاطبی بتواند کتاب موردنیازش را به‌دست آورد. موسوی با بیان اینکه هدف ما در پویش فعلی، موضوع صبر و پایداری است، ادامه داد: امیدواریم بتوانیم با «کتاب‌قهرمان» الگویی را در زمینهٔ استقامت معرفی کنیم؛ چراکه معتقدیم سلب‌ریزی درست و واقعی امثال مهدی طحنبانان است که اتفاقاً می‌تواند به فضای فرهنگی کشور کمک کند. دبیر مسابقهٔ کتاب‌خوانی و پویش «کتاب‌قهرمان» تأکید کرد: کتاب «سرباز کوچک‌امام» و راوی آن می‌توانند الگویی تراز برای دانش‌آموزان باشند. بر همین اساس ترویج کتاب‌خوانی و افزایش سرائهٔ مطالعهٔ مفید از اهداف ما در این راستاست که البته با پوشش‌های قبلی هم به رشد سرائهٔ مطالعهٔ رسیدیم. وی اشاره کرد: برای تولید آرزان کتاب پرطرفدار می‌توان به سراغ این‌ها پوشش‌ها رفت. چنان‌که ایجاد شمارگان بالا به خودی خود، انگیزهٔ تولید و تکثیر بین‌المللی آن را فراهم خواهد کرد و موضوعی دسترس‌ناپذیر هم نیست. ایجاد دسترسی آرزان به کتاب و نیز تقویت بنیهٔ اقتصادی چرخهٔ نشر از دیگر اهداف ما در این پویش‌هاست. موسوی دربارهٔ روند برگزاری خبر داد: پویش از امروز آغاز و تا پایان اسفند برقرار است. در سایت اطلاع‌رسانی آن به نام همین مسابقهٔ نیز، اپلیکیشنی مرتبط را بارگذاری خواهیم کرد تا افراد با خرید کتاب، امکان شرکت در مسابقه را پیدا کنند وی با اعلام اینکه از خبرنگاران فعال در پویش قدردانی می‌شود، افزود: بخش ویژهٔ نوجوانان ۱۳ و ۱۴ساله را نیز خواهیم داشت؛ همچنین جوایزی چندده‌میلیونی برای مسابقهٔ ترتیب داده‌ایم. بزودی هم مستند و تیزرهای سینمایی را برای تبلیغات این کتاب و پویش بخش خواهیم کرد. این مستند در جشنوارهٔ عمار رونمایی خواهد شد.

علیرضا طبایی که با ۶۰ سال فعالیت ادبی شاعران زیادی را به زبان فارسی معرفی کرده، امروز ۷۴ ساله می‌شود

شاعری که با «شعری برای ویتنام» جهانی شد

در اختیار افراد قرار گیرد که هر چیزی را منتشر کنند، عده‌ای برای اینکه افراد بیشتری را گسرد خود جمع کنند و بره‌های بیشتری را بشمرند، حاضرند دست به هر کاری بزنند و بعد از مدتی خودشان هم باور می‌کنند که لابد آثارمان خیلی خوب است که این‌همه آدم دور ما جمع شده‌اند. در این سال‌ها ما در حوزه ادبیات و آموزش‌های عمومی آن عقبرگده‌های زیادی داشتیم‌ه و کتابت و شیوه‌های نگارشی زبان فارسی در هجومی نابخردانه قرار گرفته است. این‌ها و عوامل دیگری که مجال گفتنش نیست، سبب شده است که من احساس خوش‌بینی نداشته باشم اما همیشه یک نکته هست و آن اینکه زمانه غربالگر خوبی است و سره را از ناسره جدا می‌کند.

من در این ۶۰ سال فعالیت ادبی، خیلی‌ها را دیده‌ام که هیاهوهای زیادی را راه انداخته‌اند و عکس پشت جلد و مصاحبه‌های فراوان از آن‌ها منتشر می‌شد ولی امروز نه تنها کسی از آن‌ها نامی نمی‌برد، که کارهایشان هم نشان می‌دهد ارزش آن‌همه هیاهو را نداشته‌اند و تنها از موقعیت‌هایی که داشته‌اند، استفاده می‌کرده‌اند.



ادب و هنر: مدیرعامل بنشر(انتشارات آستان قدس رضوی) گفت: در اختتامیه شانزدهمین جشنواره کتاب رشد، مجموعه «یک داستان تخیلی با مفهوم قرآنی» از انتشارات آستان قدس رضوی به عنوان برگزیده این جشنواره انتخاب شد.

به گزارش قدس و به نقل از روابط عمومی بنشر، حسین سعیدی اظهار کرد: در مراسم اختتامیه این جشنواره که دوشنبه شب در مرکز آفرینش‌های هنری کلون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برگزار شد، در بخش برگزیدگان کتاب‌های قرآنی، لوح سپاس، جایزه نفیس و تندیس این جشنواره به مجموعه هشت جلدی «یک داستان تخیلی با مفهوم قرآنی» از انتشارات آستان قدس رضوی نوشته کلر ژوبرت اهدا شد. وی افزود: «یک داستان تخیلی با مفهوم قرآنی» مجموعه‌ای هشت جلدی است که در قالب «کتاب‌های پروانه» با موضوعاتی از قبیل راست‌گویی و دروغ‌گویی، دوستی، عذرخواهی، غرور و تکبر، آشتی، امانتداری و... سعی دارد یکی از مفاهیم قرآنی را برای کودکان به تصویر بکشد و ملموس‌تر کند.

ادب و هنر: به گزارش قدس و به نقل از روابط عمومی انجمن کتاب‌فروشان خوشه، دهمین نشست سالانه انجمن کتاب‌فروشان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی «خوشه» با حضور بیش از ۱۰۰ کتاب فروش از سراسر کشور، پنجشنبه و جمعه ۱۵ و ۱۶ آذر در مجتمع سرچشمه تهران برگزار خواهد شد.

انجمن کتاب‌فروشان خوشه متشکل از فروشگاه‌های کتاب و محصولات فرهنگی است که جهت هم‌افزایی هرچه بیشتر بین این فعالان از سال ۸۹ فعالیت خود را با هدف تقویت، توسعه و ارتقای کتاب‌فروشان جبهه فرهنگی انقلاب آغاز کرده است.

در این گردهمایی علاوه بر نشان عضو خوشه، مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز حضور خواهند داشت و حجت‌الاسلام پناهیان سخنرانی خواهد کرد. این مراسم در مجتمع شهدای انقلاب اسلامی سرچشمه برگزار می‌شود.



ارتباط ما حفظ شد. او را همه دوست داشتند و گل آقا همچنان خانه اول شان در سال‌های بعد کاری نیز محسوب می‌شد. مرحوم کیومرث صابری فردی رک گو بود و بی‌دلیل از کسی تعریف نمی‌کرد؛ زمانی که او زرویی نصرآباد را عبید روزگار کنونی دانست، بی به توانمندی‌اش برده بود.

وی همچنین خاطرنشان کرد: ایشان به کار جوانان بسیار بها می‌داد، وقت می‌گذاشت و آثارشان را می‌خواند و نقش معلمی را بسیار خوب ایفا می‌کرد.

مجله ادبی «شب شعر» به تهیه‌کنندگی کوروش انصاری، هر دوشنبه شب در حوزه ادبیات، ساعت ۲۳ روی آنتن شبکه چهار می‌رود.

در سال ۱۳۴۷ مسئولیت صفحات شعر و ادبیات مجله جوانان به من واگذار شد. شاید اوایل با خودم فکر می‌کردم که یک مجله سنگینی ادبی نیست ولی با طیفی از جوانان سراسر کشور ارتباط پیدا می‌کنم و با پایگاهی ایجاد می‌کنم برای کسانی که دسترسی به امکاناتی برای چاپ شعر ندارند.

قبل از شما چه کسی این مسئولیت را داشت؟

وقتی من وارد مجله شدم، تنها دو سال از تأسیس مجله می‌گذشت قبل از من چندین نفر از جمله نصرت رحمانی آنجا کار کرده بودند ولی قبل از من آقای محمد نوعی از شاعران خطه شمال مسئولیت صفحات را داشت. مؤسسه اطلاعات یک سازمان شهرستان‌ها داشت که در همه ایران نمایندگی داشت و در آنجا شاعران شمالی بخصوص گیلانی‌ها حضور زیادی داشتند، شاعرانی مثل همین آقای نوعی، آقای تیمور گرگین و ساقی گیلانی که البته شاعران بسیار شاخصی نبودند.

♦ در آن دوران مجله جوانان توانست در معرفی نسل شاعران جوان مؤثر باشد، این تأثیرگذاری چگونه به وجود آمد؟

مجله جوانان مورد توجه نسل جوان بود بخصوص در جاهایی غیر از تهران. من حساب کردم خیلی از جوانان هستند که برای چاپ شعرهایشان باید پارتی یا آشنایی در مطبوعات داشته باشند و دسترسی به کسی که بتواند شعرهایشان را چاپ کند، در حکم کمیاب بود. چون خود من این فضا را حس کرده بودم و اشتیاق جوانان شاعر برای شناخته شدن را می‌دانستم، اگر کارهایشان در حد چاپ بود و نیاز به تصحیحی مقدماتی داشت، این کار را می‌کردم و شعرهایشان را چاپ می‌کردم. اگر شعرها در این سطح نبوده در صفحه‌ای که به اسم مشاورین بود، به عنوان مشاور ادبی در چند سطر راهنمایی نشان می‌کردم. به جز این برای شاعران جوان نامه می‌نوشتیم. چند نفر استخدام شده بودند که نامه‌های کوتاهی را که برای شاعران جوان می‌نوشتیم، تایپ و پست می‌کردند. این کار خیلی تأثیر داشت. خیلی از دوستان هم که امروز برای خودشان اسم و رسمی دارند به من می‌گویند ما در شهر خودمان بودیم و اصلاً باور نمی‌کردیم از طرف مجله برایمان نامه بیايد. این نامه‌هاهم برایشان تشویق بود و هم باعث می‌شد، مجله را بخوانند و پیگیر باشند. این کارها در تیراژ مجله هم مؤثر بود. آن دوران رقابت بین زن روز و اطلاعات هفتگی بود که حدود ۹۰ هزار تیراژ داشتند. ما این تیراژ را پشت سر گذاشتیم و تیراژ عادی مان در حدود ۴۸۰ هزار تنبیت شدیم و در شماره‌های ویژه حدود ۵۲۰ هزار تیراژ داشتیم. صفحه شعر هم جای خودش را باز کرده بود و همان کسانی که در آغاز کار، جوانان را جدی نمی‌گرفتند، مصر بودند که شعرشان در مجله منتشر شود و شاعران بزرگی مانند فریدون تولبی، نادرپور، زهری، نصرت رحمانی و دیگران نامه

ویتنام» که خیلی سر و صدا هم کرد.

♦ شاید به ایسن دلیل که یک شعر ضد امپریالیستی بود.

بله آن هم در اوج اقتدار حضرات در ایران، آمریکایی‌ها آن زمان در ایران حضور همه‌جانبه‌ای داشتند ولی از کنار اخبار ویتنام و مقاومت دلیرانه مردم آنجا نمی‌شد گذشت. اولین شعری که برای ویتنام سروده شد، همان شعر بود و در یک صفحه کامل چاپ شده بود. مجله را که باز می‌کردید، درست صفحه بعد از جلد با تصویری درشت از یک زن ویتنامی که فرزند شیرخواراش را به بغل گرفته بود و از بمباران فرار می‌کرد، چاپ شد. این شعر

برش

بیشتر کتاب‌هایی که چاپ می‌شود ارزش درخت‌هایی را که برایشان قطع می‌شود،هم نداردند، البته بعضی مواقع آثار خوبی منتشر می‌شوند ولی آن‌ها هم پای دیگران می‌سوزند.

سببایست‌نگذاری غلطی در حوزه ادبیات انجام شده است

جهانی شد و بعدها آقای دستغیب از قول سرربیر فردوسی تعریف می‌کرد و می‌گفت:۶۴ انجمن و سازمان مردم نهاد حقوق بشری در سراسر جهان پیام تشکر برای این مجله فرستاده بودند. آن سال‌ها من دانش‌آموز سال آخر دبیرستان بودم. قبل از اینکه به تهران باییم هم انتشارات پیروز نخستین مجموعه شعر مرا منتشر کرد و خوشبختانه از آن استقبال شد به طوری که دکتر خلاری آن مجموعه را در مجله سخن معرفی کرد و در چند نشریه دیگر هم معرفی شد و برایش نقد نوشتند. بعد از سربازی در سال ۴۷ به تهران آمدم و امسال هم پنجاهمین سال آمدن من به تهران و شصتمین سالی است که فعالیت ادبی می‌کنم.

♦ چه شد که وارد فعالیت‌های مطبوعاتی شدید؟

من در دوران کودکی به فعالیت مطبوعاتی و مطالعه علاقمند بودم. خوارم دانشجوی ادبیات بود و از همان زمان کتاب‌های او را می‌خواندم و شعرهایی از فرخی، منوچهری، فردوسی و دیگران از همان زمان در ذهنم مانده است. در دبیرستان فعالیت‌م را از طریق تهیه روزنامه دیواری شروع کردم و در آن دوره در مسابقه روزنامه دیواری دبیرستان‌های سراسر کشور اول شدم. بعد هم در مطبوعات محلی و روزنامه‌های شیراز مانند اجتماع ملی و پیام آسمانی همکاری می‌کردم. پس از آن هم ارتباطم با مطبوعات مرکز شروع شد و وقتی به تهران آمدم ارتباط با مؤسسه اطلاعات بیشتر شد و در روزنامه مشغول به کار شدم.

جشنواره

سعید تشکری خبر داد

حضور ۱۷۰ نویسنده در نخستین «جایزه داستان‌های حماسی»



طرح‌ها را مورد مطالعه و ارزیابی قرار می‌دهند و پس از آن اسامی صاحبان طرح‌های برگزیده اعلام خواهد شد. وی درباره نحوه انتخاب آثار برتر گفت: ۱۵ طرح برگزیده توسط داوران مجوز ورود به مرحله بعدی را پیدا می‌کنند که البته ممکن است با توجه به کیفیت آثار و نظر هیئت داوران، حوزه هنری انقلاب اسلامی خراسان رضوی سازوکاری را برای افزایش تعداد برگزیدگان در این مرحله در نظر بگیرد.

دبیر علمی جایزه داستان‌های حماسی با بیان اینکه در نهایت پس از نگارش داستان‌ها و رقابت بین نویسندگان، رتبه‌های برتر او تا سوم مشخص خواهند شد، افزود: به تمامی ۱۵ طرح برگزیده در مرحله اول

در راستای حمایت از نگارش داستان‌های حماسی، مبلغ ۴ میلیون تومان تعلق خواهد گرفت و منتخبی از داستان‌ها در قالب کتاب منتشر و در مراسم اعلام نتایج نهایی رونمایی می‌شود.

ادب و هنر: سعید تشکری، دبیر علمی جایزه داستان‌های حماسی گفت: ۱۷۰ نویسنده در حوزه ادبیات داستانی با ۲۲۰ اثر در فراخوان نخستین جایزه داستان‌های حماسی شرکت کرده و آثار خود را به دبیرخانه ارسال کردند.

این نویسنده درباره برگزاری نخستین دوره «جایزه داستان‌های حماسی» اظهار داشت: این جایزه با موضوع اقتباس و معاصرسازی از داستان حماسی روزنامه ایران و توران در شاهنامه فردوسی توسط حوزه هنری انقلاب اسلامی خراسان رضوی برگزار می‌شود که زمان ارسال آثار در ۳۰ آبان به پایان رسید و در مجموع ۲۲۰ طرح از ۱۷۰ نویسنده کشور به دبیرخانه جایزه رسید.

وی افزود: در این میان شاهد حضور مجموعه‌ای از داستان‌نویسان برجسته کشور در کنار نویسندگان جوان متعهد هستیم و نگاه جدیدی در کم و کیف آثار دیده می‌شود که نشان از این دارد که نگارش طرح‌ها به همان سمتی می‌رود که ادبیات حماسی به آن نیازمند است.

دبیر علمی نخستین جایزه داستان‌های حماسی تصریح کرد: هیئت داوران این جایزه را آقایان قاسمعلی فراست، علیرضا عزتی‌پاک، دکتر حسین سررستانی و خانم زهرا زواریان تشکیل می‌دهند که تا ۲۵ آذرماه

در ویژه برنامه شبکه ۴ و با حضور ناصر فیض و سعید بیابانکی

کارنامه مرحوم زرویی نصرآباد مرور شد

فارسن: ناصر فیض و سعید بیابانکی با حضور در برنامه «شب شعر» شبکه چهار سیما با اجرای محمود اکرامی فر، یاد ابوالفضل زرویی نصرآباد نویسنده و طنزپرداز فقید را گرامی داشتند.

ناصر فیض مدیر دفتر طنز حوزه هنری با اشاره به جایگاه حرفه‌ای مرحوم زرویی نصرآباد عنوان کرد: او با استفاده از فرهنگ عامه، بیشتر خودش را به مردم نزدیک می‌کرد. نصرآباد به همه ظرافت‌های انتقال معنا در شعر و نثرش توجه داشت. او مدام نگران این بود که مبادا برای شعر طنز کاری نکرده باشد. وی در پاسخ به این پرسش اکرامی فر که: فکر می‌کنید زرویی چه مطلبی را برای سنگ مزارش انتخاب می‌کرد، افزود: به دلیل روحیه طنازانه او می‌گویم حتماً می‌گفت جملاتی با غلط املایی روی آن بنویسید که مردم را بخنداند و شاد کند!

سعید بیابانکی نیز در ادامه گفت: در طنز نیاز به تناقض و تضاد احساس می‌شود. شاید تعریف حکیمانه «امر به معروف و نهی از منکر» که سال‌ها پیش در لباس هنر خود را نمایان کرد، در آثار شاعرانی چون سلمان هراتی و عبدالملکیان که ظاهر شهیری با اصالت روستایی را تلفیق می‌کرد، برجسته باشد و در قرن هشتم نیز حافظ نمونه‌های بارزی از به کارگیری این تلفیق

کتاب

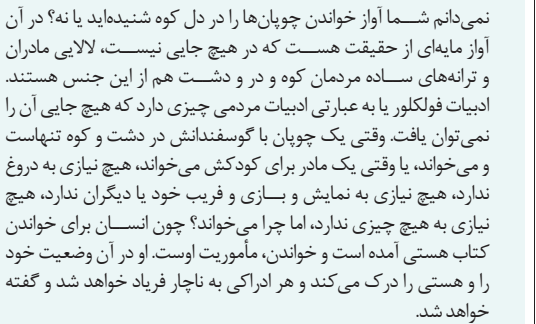
یک مجموعهداستان از کلر ژوبرت برگزیده «جشنواره کتاب رشد» شد



کتاب

گردهمایی ۱۰۰کتاب‌فروش در دهمین نشست «خوشه»





کتابهای شعر کار و ترانه‌های کارگران هم هستند و کتاب‌های مختلف به افسانه‌ها و مثل‌ها و مثل‌ها یاد پرداخته‌اند. گنجی به نام ادبیات فولکلور، متأسفانه چندان یاد مباد مورد یاد بخش‌های جامعه نیست، اما هر کسی که این گنج را بد، دوازده تومانه بد بخشد، در موسیقی دانا به سرسته امروز با استفاده از این گنجینه توانستند شاهکار‌های نو بیافرینند. شاعران و داستان‌نویسانی که ارزش این گنج‌ها را درک کرده‌اند از بهترین‌های زمانه، و مردم شناسان جز همین متون راهی به حقیقت ندارند. وقت کم است، حتماً از گنج ادبیات مردم را در سودای نام و آوازه نیست استفاده کنید و دیدن و شناختن خود را یاد بگیرید.

ایستگاه / امیر محمد سلطان پور

جلوگیری از یک فاجعه

هفته نامه اسپیگل چاپ المان، در تازه‌ترین شماره خود پرونده‌ای به جدیدترین شرایط کره زمین و تهدیدات پیرامون آن پرداخته است. این نشریه با طراحی جالبی به روی جلد که آب فک اقیانوس را در حال تخلیه شدن نشان می‌دهد و انتخاب تیتل «تهدید زمین چیست و ما چه کاری می‌توانیم انجام دهیم؟» نقشه و برنامه‌های دانشمندان و حتی مردم عادی را برای جلوگیری از یک فاجعه بزرگ کره زمین ارزیابی می‌کند.

DOCUMENTS LE DÉTAIL DES DÉCISIONS TECHNIQUES

شیریه فرانس فوتبال چاپ فرانسه
که برگزار کننده معتبرترین
جایزه فردی فوتبال یعنی
توپ طلا نیز هست، در شماره
ویژه خود برنده امسال این جایزه
را به روی جلد برده است. این
مجله با چاپ عکس لوکا مودریچ،
هافبک باشگاه رئال مادرید و
تیم ملی کرواسی که برنده توپ
طلای امسال شد و به ۱۰ سال
برنده شدن مسی و رونالدو
در این جایزه پایان داد، با تیترو
«او یاقوتش را داشت» به اندک
شایعات درباره نادرستی انتخاب او نیز پاسخ داده است.

نشریه نشنال ریویو، چاپ آمریکا که هر دو هفته یکبار به چاپ می‌رسد، در مقالهای با عنوان «پوپولیسمی که ترامپ نیاز دارد» تنها راه نجات ریاست جمهوری او و زنده نگه داشتن ایدههایش برای پیروزی در انتخابات بعدی را ادامه همان سیاستهای پوپولیستی قدیمی‌اش می‌داند. این مجله ادامه جنگ تجاری با چین، کشاندن این جنگ به حوزه تکنولوژی و خارج کردن تمرکز آنکولوزی از حوزه علم به حوزه کار، را به عنوان سیاستهای مورد نیاز ترامپ پیشنهاد می‌دهد.

دکتر «غلامحسین یوسفی» ۱۴ آذر ماه سال ۱۳۶۹ درگذشت

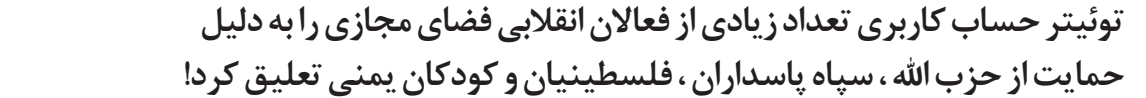
از بوستان شروع شد
اگر فقط به زندگینامه رسمی‌اش نگاه کنید، این طور به نظر می‌رسد که عشق به ادبیات و مقاله‌های مانند بوستان، گلستان، اعتدال در پیش رویش دارد و باید بیشتر بکاود، بنویسد و ...

شایبیه‌ای از روح بزرگوار «غلامحسین یوسفی»
استادش، آتش این عشق را در وجودش شعله
ر کرده باشند. اما اگر آذر ماه پیش در
مراسم بزرگداشتش در مشهد حضور می‌داشتید
و به فایل صوتی به جا مانده از استاد گوش
می‌کردید، دستگیرتان می‌شد که ماجرا چو
دیگری است. مرحوم «غلامحسین یوسفی»
خاطره دوران کودکی‌اش از اینگونه تجربیات
می‌کند: «... من چهل و چند سال پیش با گلستان
سعدی آشنا شدم... این کتاب نفیس را از مدرسه
جایزه گرفتم... اما معلم نامی‌دانستند که این
کتاب تا چه حد می‌تواند بر من تأثیر گذار باشد.

گلدستان تا امروز برای من رفیقی صمیمی است. هم اکنون که کتاب روزبهی من گشوده است، خود کدکانه بر آن نوشته شده است این کتاب منقلب به گلشنین یوسفی است... شاکرد ممتاز دبستان «عنصری» در مشهد حدود ۸۰ سال پیش، با «گلدستان» مسیر زندگی‌اش عوض می‌شود و به راهی می‌افتد که آن را تا ۵۰ سال بعد و با بارش عمرش ادامه می‌دهد.

و سواس در به کار بردن واژه‌های درست زبان فارسی تنها به آثارش محدود نمی‌شود. به روایت

منبع / باشگاه خبرنگاران جوان



۱۳- مازمالا- سرناز: جنگ‌های نامنظم- خرس آسمانی ۱۴- محل- کاتب: تخت پادشاهی ۱۵- نویسنده راوی: مازمالیکایی که با اشتیاق رمان «لولیتا» به شهرت رسید

۱- .../گزیده برد کالا ۲- زخم کشنده را گویند - عیاشی و خوشگذرانی - حرص و طمع ۳- از شرکت‌های نفتی

پارسلوناست که در جام جهانی ۲۰۰۶ همراه تیمش نایب قهرمانی جام جهانی را کسب کرد- گلستان- رجزخوانی ۱۲- تهران از ششم- از رسم الخط‌های زبان عربی- بوی ماندگی- چادر ۱۳- احصاء- پرگار- سخن‌ پی‌برده ۱۴- گلی رپیا و خوشبو-

۱- ابزاری در دست بنا- پستی
۲- تصویر صفحه دستکتاب-
آذرفر تازدهرصد- مروراید
درشت- چه غریبانه ، رفتند این
خانه- حاکم ۴- صندلی اسب- صوت
ندا- جنگ نبرد- سلسله کرمیخانی
۵- نوعی پرند شکاری- گوسفند
دروازا- مروراید گردیده- واحد-
اکئون- چشمه‌ای در پشت ۷- خناج-
برودت- نمایندگی در علم رایانه
۸- عزیز عرب- انتظار فرج از ... کشم-
یکی از دو جنس ۹- مرتع- فایک
۱۰- البیاض از آهن و زغال ۱۱- بازکن
ملی پوش سال‌های پیش ژال مادردی
اسپانیا- نوعی مونوسیکلت پرودرت
مسابقه‌ای- رنواسی ۱۱- هم بازیکن
فرانسوی سال‌های قبل ملی فوتبال

بارسلوناست که در جام جهانی ۲۰۰۶ همراه تیمش نایب قهرمانی جام جهانی را کسب کرد- گلستان- رجز خوانی ۱۲- نهان از چشم- از رسم الخط‌های زبان عربی- بوی ماندگی- چادر ۱۳- احصاء- پرگار- سخن بی‌پرده ۱۴- گلی زیبا و خوشبو- کارگاه فیلم‌سازی ۱۵- واحد واکسیناسیون- کنایه از زن و فرزندان است- از نزولات آسمانی

5	14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1	
و	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	1
و	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	2
و	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	3
و	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	4
و	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	5
و	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	6
و	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	7
و	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	8
و	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	9
و	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	10
و	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	11
و	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	12
و	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	13
و	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	14
و	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	ک	ز	ی	15

منتظر نظرها، دیدگاه ها و انتقادهایتان در خصوص جدول هستیم
با ما تماس بگیرید

معانی و ظرایف سخن کاملاً پیوند داده است.

اگر بگوییم روزنامه‌نگار، ممکن است مفهومی
امروزی روزنامه‌نگاری و مطبوعات و ذهن‌ها
بیاید، بنابراین تأکید می‌کنیم که استاد «یوسفی»
پیش‌دهنده‌ای از مقالات علمی - ادبی‌اش را برای
حالات و نشریات مختلف مانند: نامه فرهنگ،
دیفا، نشر فرهنگ خراسان، آینده‌آفتاب شرق و نشر
نوشت. درباره این بخش از فعالیت‌های و نشر
مطبوعاتی او می‌گویند: «نخستین جلوه ادبی
عمومی دکتر غلامحسین یوسفی با انتشار مجله
نامه فرهنگ در مشهد، آن هم در سال ۱۳۳۰
نمایان می‌شود. مجله ماهانه‌ای که به سردبیری
استاد «یوسفی» و با سبک متین و اسلوبی نو در
نقد و بیان ادبی، راهی تازه را در میان نشریات
ادبی آن روزگار مشهد باز می‌کند». مشاهیر ادبی
و دانشگاهی آن دوران مشهد هم معتقدند با ورود
استاد «یوسفی» به دانشگاه این شهر، روش‌های
تدریس و تحقیق در ادبیات دانشگاهی، دچار
تغییر و تحول شد و در مسیر رشد و تعالی افتاد.
این تغییر و تحول البته به کتاب‌های درسی دوره
دستمان هم رسیده بود و بخشی از تکلیف دروس
کتاب اول دبستان قدیم گویا از کلام یادگارهای
استاد «یوسفی» در دوران علمی‌اش بود.

دکترایش را در ایران گرفته بود اما دانشگاه‌های دیگر دنیا را نیز دیده و تجربه کرده بود. در یکی از دانشگاه‌های آمریکا رشته علوم تربیتی را خوانده و باها به دعوت او نامه‌ها برای سخنرانی به

ایستگاه / رقیه توسلی | پوشک، تُشک مواج، ده‌ها قلم دارو، ویلچر،

نهی نمی شود همایش را بنویسم... نوشتنی نیست... اصلاً گریزم گران شدن چیزهای توجیحی و خدمات به معلولان را بنویسم... چطور آن را ضربدر بچهار کنم... و حق مطلب را در مورد خانواده‌های ادا کنم که چندین سالها در خانه دارند... و سه یا چهار کم‌توان را می‌فکره که به این قضیه هم‌پز می‌زنند تا تألمات ذهنی است؛ مثل خانواده آقای بابایی در جویبار... چند سال می‌شود که بابت تهیه گزارش با پدر و مادر عاشقانه آشنا شدم... و سه پسر و یک دختر معلول‌شان را از مهرنای زبالادول‌های تر و خشک می‌کنند

ممکن آشنایی و رفاقت، جرقه‌ای می‌شود که با سازمان متولی معلولان حرف داشته باشیم؛ با خیران و در این داستان زیاد هم رجوع کنم به خودم. همچنین مخاطب قرار بدهم و سؤال کنم که آیا واقعاً با آسیب جسمی و مجسمین روحی چهار فرزند و یک حقوق ماهیانه مختصر می‌شود دوام آورد؟ اصلاً خودم وقت می‌توانستم سرپا باشم در این داستان؟ سرگرمی و اشتغالی می‌م‌م و چون ندارد برای آدم‌های باقی که تنها دچار قیصره می‌گردند، می‌پرسم.

.. و جلوتر پرسش می‌کنم، آیا نباید سازمان مسئولی باشد که برای گروه سونث و مذکر این حوزه آستین بالا بزند و آن‌ها را بیشتر سوق دهد به سمت ورزش و تحرک؟

چونکه سطح شهر آيا بعد از اين همه تذکر و تلنگر، برای تردد اين گروه، عزيزان مطلوب است...؟ و ناوگان حمل و نقل رنگ بهينه‌سازی به خود گرفته و قانون ۳ درصد جذب معولان در ادارات جامه عمل پوشيده؟ گرچه می دانم جواب سؤال های بالا در بیشتر موارد اگر خير مطلق نباشد، بود در صدد مثبت نیست.

سی‌خواهم بروم مصاحبه مطبوعاتی مدیر کل بهزیستی. موبایلم را باز می‌کنم و در شماره‌های مخاطبان کلمه «ب» را سرچ می‌کنم. تلفن آقا و خانم باغبانی به سرعت پدیدار می‌شوند.

بعد از دو ماه بی خبری از این خانواده انگار باید دیگر کمی حلق سلامتیه
اه بیندازم تا ذره‌ای از درد دل این والدین نجیب را برسانم به گوش مدیران
الادستی. به امید آنکه این بار فرجی حاصل شود.

zadehalireza@gmail.com

محمد رضا علی زاده

۱۵ ۱۴ ۱۳ ۱۲ ۱۱ ۱۰ ۹ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵

بارسوناست که در جام جهانی ۲۰۰۶ همراه تیمش نایب قهرمانی جام جهانی را کسب کرد- گلستان- رجزخوانی ۱۲- نهان از چشم- از رسم الخطهای زبان عربی- بوی ماندگی- چادر ۱۳- احصاء- پرگار- سخن بی‌پرده ۱۴- گلی زیبا و خوشبو- کارگاه فیلم‌سازی ۱۵- واحد واکسیناسیون- کنایه از زن و فرزندان است- از نزولات آسمانی

حل جدول شماره قبل

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
خ	ی	ا	ق	ا	ن	ی	ب	ا	ک	ت	م	ه	م	۱
و	ی	ت	ی	م	ی	س	ا	ب	ا	ک	ت	م	ه	۲
و	ج	و	ا	ر	و	ی	و	ل	ا	ش	د	ن	۳	
ا	م	ی	ن	م	ی	س	ا	ب	ا	ک	ت	م	ه	۴
ا	م	ی	ن	م	ی	س	ا	ب	ا	ک	ت	م	ه	۵
ا	م	ی	ن	م	ی	س	ا	ب	ا	ک	ت	م	ه	۶
ا	م	ی	ن	م	ی	س	ا	ب	ا	ک	ت	م	ه	۷
ا	م	ی	ن	م	ی	س	ا	ب	ا	ک	ت	م	ه	۸
ا	م	ی	ن	م	ی	س	ا	ب	ا	ک	ت	م	ه	۹
ا	م	ی	ن	م	ی	س	ا	ب	ا	ک	ت	م	ه	۱۰
ا	م	ی	ن	م	ی	س	ا	ب	ا	ک	ت	م	ه	۱۱
ا	م	ی	ن	م	ی	س	ا	ب	ا	ک	ت	م	ه	۱۲
ا	م	ی	ن	م	ی	س	ا	ب	ا	ک	ت	م	ه	۱۳
ا	م	ی	ن	م	ی	س	ا	ب	ا	ک	ت	م	ه	۱۴
ا	م	ی	ن	م	ی	س	ا	ب	ا	ک	ت	م	ه	۱۵

منتظر نظرها، دیدگاه‌ها و انتقادهایتان در خصوص جدول هستیم
یا ما تماس بگیرید